

عراق در بستر تاریخ

در شماره گذشته، در بررسی ساختار جمعیتی و انسانی عراق به تشریح وضع جمعیت شیعه در این کشور و سابقه فعالیت‌های سیاسی شیعیان و نیز تعداد آنها و مناطق تمرکز و سکونت شیعیان پرداختیم. اینک در این شماره درباره کردها به بررسی می‌پردازیم:

توانسته‌اند هنوز پیوستگی بومی خود را حفظ کنند. عده‌ای از شیعیان کرد تحت عنوان قبیله در اطراف خانقین ساکن هستند.

دلیل عمده به تحلیل رفتن ارتباط‌های قبیله‌ای بین کردهای عراق ناشی از فشارهای سیاسی و خشن حکومت مرکزی بر ضد آنان است. برخورد‌های تبعیض‌آمیز موجب شده است که گرایش‌های قبیله‌ای، حالت سیاسی و طبقاتی بیابد.

کردها

کردهای عراق در مناطق بلند شمالی و دره‌های مجاور آن و در چهار استان سلیمانیه، اربیل، دهوک و کرکوک (تامیم) سکونت دارند. کردها در مناطق مجاور نیز پراکنده‌اند و گروهی از آنان تا حدود خانقین سکونت گزیده‌اند.

همبستگی آنان حالت قومی و قبیله‌ای دارد؛ اگرچه این ارتباط سنتی در سال‌های اخیر کم‌رنگ شده است، اما قباایلی چون هرکی، سورجی و زیباری

کردستان و حزب دموکرات با یکدیگر و همکاری کردهای عراق با دولت ترکیه بر ضد کردهای ترکیه در تابستان ۱۹۹۱ م و اوایل سال ۱۹۹۸ م مؤتدی بر این ادعاست.

معمولاً کردها در طول تاریخ به دلیل تداوم گرایش‌های فرهنگی، سیاسی و قبیله‌ای نتوانسته‌اند به تأسیس یک نظام سیاسی در عراق دست یابند. حکومت مرکزی عراق هم با قومیت‌گرایی عربی، زمینه‌ساز تشدید چنین بحرانی گردیده است. شیوه برخورد استعمارگران به ویژه انگلستان با منطقه به نحوی بوده است که به تداوم چنین وضعی دامن زده و کردهای عراق را دچار مشکلات اساسی ساخته است.

با استقرار بریتانیا در موصل و دیگر مناطق کردنشین، انگلستان کوشید روابط مستقیمی با رهبران کردها داشته باشد تا بدین طریق منافع فوق‌مرزی خود را تأمین کند. بعد از جنگ جهانی اول، انگلستان؛ شیخ محمود از قبیله برزنج را به رهبری کردها رسانید. شیوخ رقیب سلیمانیه نیز رهبری وی را به

عامل جغرافیایی نیز به این پدیده کمک می‌کند؛ زیرا معمولاً کردهای شمال و شمال شرق به حزب دموکرات شمال عراق وابسته‌اند؛ اما اهالی کرکوک تا خانقین به اتحادیه‌های میهنی کردستان پیوسته‌اند. اعضای این اتحادیه غالباً شیعه‌اند. کردهای شمال غربی به احزاب سوسیالیستی و در برهه‌ای از تاریخ معاصر به حزب کمونیست عراق پیوسته بودند.

برخلاف پیدایش ساختارهای اجتماعی نوین، کردهای عراق هنوز هم غالباً زندگی شبه‌شعبانی دارند و از اوایل دهه ۱۹۶۰ م به لحاظ سیاست‌های سرکوب‌گرانه رژیم عراق دست به مهاجرت زدند. اختلاف بین کردها و اعراب سنی عراق موجب گردید تا این گروه نژادی بر فرهنگ ملی خود پافشاری کنند که در این میان زبان کردی، مبنای وحدت گردیده است؛ اما برخی حوادث، پس از سال ۱۹۹۱ م نشان داد که حتی زبان هم نمی‌تواند عامل اتحاد ملی کردها باشد.

جنگ بی‌امان دو گروه اتحادیه میهنی

تشکیل دولت داده بودند، وضعیت منطقه را در قالب تعارض‌های قومی و قبیله‌ای آشفته کرد.

در جهت رفع این ناامنی پدیده آمده، از دسامبر ۱۹۲۲ م سعی گردید تا موصل به منزله منطقه خودمختار کردستان عراق به رسمیت شناخته شود. توافق بریتانیا و عراق در این مورد، اعتراض شیخ محمود را در پی داشت. او در بازگشت از تبعید، خود را حاکم موصل نامید.

تا ژوئیه ۱۹۲۴ م بریتانیا شورش کردهای عراق به رهبری شیخ محمود را سرکوب کرد. در زمستان ۱۹۲۷ م و سپس بهار ۱۹۳۱ آخرین بار نیروهای وی شکست داده شد و در سال ۱۹۳۲ م مقاومت او پایان یافت.

پس از شیخ محمود، شیخ احمد بارزانی (منسوب به بارزان واقع در منطقه زیبار) رهبری مقاومت قومی در کردستان عراق را بر عهده گرفت. چون وی علاوه بر خواسته‌های سیاسی، نظریات مذهبی و فقهی شدیدی در مقابله با انگلیس و دولت عراق داشت،

تمامی کردها پذیرفتند. با نصب شیخ محمود به استانداری منطقه، انگلیس برای رسیدن به مقاصد خود سرگرد نوپ را به سمت مشاور ارشد وی برگزید.

گسترش نفوذ شیخ محمود به مناطقی چون زاخو، اربیل، بارزان، کرکوک، پنجویین و حلبچه بین وی و انگلستان اختلاف پدید آورد و استمرار این مخالفت‌ها به درگیری منجر شد. در مقابله با دولت استعماری انگلستان، شیخ محمود در ماه مه سال ۱۹۱۹ م اعلام استقلال کرد. این بار انگلستان با گسیل نیروهای افزون‌تری شیخ محمود را دستگیر و به اعدام محکوم ساخت؛ اما به دلیل ملاحظات امنیتی، در این حکم تخفیف قائل شد و او را به هند تبعید نمود.

این وضع موجب پیدایش شورش در کردستان شد. سابقه اعلام استقلال، برخوردهای سرکوب‌گرانه، فقدان شناسایی و تمایز دولت از قبیله و وعده‌ای که طی معاهده سور در آگوست ۱۹۲۰ م به کردهای عراق مبنی بر حق

زمینه برای دستگیری او و تحت نظر قرار گرفتنش در سلیمانیه فراهم آمد. با حذف شیخ احمد، برادر جوانش ملامصطفی بارزانی در سال ۱۹۴۳م از سلیمانیه به بارزان رفت و به رهبری کردهای عراق تا سال ۱۹۷۹ تبدیل شد. با حمایت دولت آن روز ایران، وی به منزلت بالا و اقتداری قابل توجه در عرصه سیاسی کردستان عراق نائل آمد.

در سال ۱۹۴۶م حزب دموکرات کردستان به کوشش شماری از روشنفکران و حقوق دانان کردستان عراق تشکیل شد. توفیقات این حزب، بعدها به رهبری ملامصطفی زمینه‌ای را فراهم آورد تا این حزب جایگزین حزب ریزگری (رهایی) شود. از این زمان تمایل فدرال‌خواهی در میان کردهای عراق شکل گرفت. در ۱۷ سپتامبر ۱۹۴۶م ملامصطفی از اعراب عراق خواست تا با همکاری هم، زندگی مشترکی در فدرال عراق آغاز کنند. با به بار نشستن این خواسته، از آن پس دیوار بلند بی‌اعتمادی بین کردها و دولت عراق، زمینه‌های تعارض در حالت جنگ و

واگرایی دائمی را فراهم کرد^(۱).

با گسترش اختلافات بین حزب دموکرات کردستان و دولت مرکزی و عقب‌نشینی قوای روس از مناطق اشغالی که مناطقی از کردستان عراق را در بر می‌گرفت، ملامصطفی به شوروی گریخت و مدت یازده سال تا زمان روی کار آمدن عبدالکریم قاسم در این کشور و چک‌اسلوواکی اقامت داشت.

با روی کار آمدن قاسم در ژوئیه ۱۹۵۸م (۱۵ مرداد ۱۳۳۷ ه.ش)، وی در اولین حرکت از ملامصطفی خواست تا به عراق بازگردد و در ظاهر به استمالت از وی پرداخت ولی در عمل به وعده‌های خویش عمل نکرد. به همین دلیل بارزانی با کمک کمونیست‌هایی که توسط قاسم از مصادر امور عزل شده بودند، مبارزه بر ضد حکومت مرکزی را آغاز کرد و بدین‌گونه ملامصطفی استیلای خود را بر اکثر مناطق کرد گسترش داد؛ اما عبدالکریم قاسم برای جلوگیری از اقتدار بارزانی‌ها با

۱. عراق، ساختارها و فرایندهای گرایش‌های سیاسی، ص ۷۶-۷۳.

کردهای عراق وسیله‌ای بود برای مهار همسایه‌ای طرفدار شوروی.

با روی کار آمدن حزب بعث، مذاکراتی بین رهبران این حزب و سران کردها آغاز شد که چون امیدی به این گفتگوها نبود در دهم ژوئن ۱۹۶۳ م شورش کردستان از سر گرفته شد. حزب بعث جنبش ملامصطفی را حرکت جدایی‌خواهانه دانست و رهبر آن را فتودالی قبیله‌ای معرفی کرد که توسط کشورهای عضو سنتو حمایت می‌شود. طی تماسی که چند ماه قبل از کودتای ۱۹۶۳ م میان شورای فرماندهی منطقه‌ای حزب بعث و صالح یوسفی نماینده حزب دموکرات کردستان عراق برقرار شد، حزب مذکور در قبال حمایت از بعثی‌ها، دو خواسته اساسی داشت: کمک در جهت خودمختاری در کردستان عراق و حضور عده‌ای از سران کرد در کابینه جدید. ولی طرفین طی مذاکراتی در جهت اهداف سیاسی خود، تاکتیک سیاسی به کار می‌بردند؛ اما با پیروزی حزب بعث در کودتای ۱۹۶۳ م اختلاف این حزب با کردها رو

کمک‌های نظامی و اقتصادی، دشمنان سنتی ملامصطفی را تقویت کرد و با برخوردی غیرانسانی، به بمباران مناطق کردنشین پرداخت.

اعمال وحشیانه وی حتی مخالفان ملامصطفی را متأثر کرد به نحوی که آنان به وی پیوستند. نفرت طوایف کرد از روش دولت مرکزی عراق، رهبر کردهای بارزانی را مدام تقویت می‌کرد. در ماه مارس ۱۹۶۱ م شورش شدیدی در کردستان عراق روی داد که عبدالکریم قاسم به شدت آنها را سرکوب کرد. نبرد کردهای تحت رهبری بارزانی تا زمان کودتای عبدالسلام عارف و روی کار آمدن حزب بعث ادامه داشت.

از سال ۱۹۶۱ م گرچه تهاجم دولت عراق بر ضد کردها ادامه یافت؛ اما چون دولت وقت ایران تمایل داشت به آنان کمک کند و بخش‌هایی از سرزمین خود را به حمایت و تجهیز آنان در اختیار گروه بارزانی قرار دهد، حکومت مرکزی عراق موفق به سرکوبی نیروهای بارزانی نشد. حمایت شاه ایران از

سیاسی-اقتصادی رژیم عراق و بعضی شرایط دیگر، استراتژی رژیم بعث عوض شد و به جای گرایش به شوروی و مناسبات با این کشور سوسیالیستی که قبلاً داشتند، به آمریکا روی آوردند. با وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران، حرکات سیاسی و تلاش‌های مبارزاتی کردها افزایش یافت و رژیم بعثی برای دفع این تحرکات، به روش‌های ذیل متوسل شد:

بمباران مناطق کردنشین با سلاح‌های مدرن و حتی بمباران شیمیایی، کوچ اجباری کردها، اسکان اجباری کردها در مناطق غیرسنتی، فشار اقتصادی به کردها و محروم نمودن آنان از امکانات رفاهی و ارتباطی، تخریب صدها روستای کردنشین، ایجاد رعب و وحشت و قتل‌عام‌های وحشت‌انگیز.

به دنبال عملیات غرورآفرین رزمندگان اسلام تحت عنوان *والفجر ۱۰* و آزادسازی مناطقی از عراق از سلطهٔ بعثی‌ها و کشته شدن حدود یازده هزار نفر نیروهای بعثی و اسارت بیش از ۴۴۰۰ نفر آنان، رژیم عراق چون ماری

به فزونی رفت و چون حزب مذکور روی کار آمد، در یازدهم مارس ۱۹۶۳م در بیانیه‌ای رسمی نظر خود را در مورد کردستان عراق اعلام کرد و در ظاهر امر حقوق ملی کردها را بر اساس خودمختاری به رسمیت شناخت. با انتشار این بیانیه، کردها موارد ذیل را از دولت مرکزی تقاضا کردند: تشکیل ارتش کردی، ضمیمه نمودن موصل و کرکوک به کردستان خودمختار (این دو منطقه، جمعیت قابل توجهی از اعراب و ترکمن‌ها را در خود جای داده‌اند)، اختصاص ۷۰٪ درآمد نفتی عراق به کردستان؛ که درخواست‌های مذکور از سوی دولت مرکزی غیرقابل قبول اعلام شد و چون طرفین به توافق نرسیدند، درگیری‌های نظامی آغاز شد.

از ماه مارس ۱۹۷۴م جنگ بین کردها و رژیم بعثی به وسیلهٔ سلاح‌های مدرن شکل شدیدی به خود گرفت؛ زیرا دولت مایل به اعطای امتیازات سیاسی-اقتصادی به کردها نبود. پس از جنگ متناوب چهارده‌ساله و پافشاری و مقاومت کردها و با انزوای

واشنگتن، از سال ۱۹۷۹م دو گروه عمده تحت رهبری مسعود بارزانی و جلال طالبانی سازماندهی شدند. از این زمان حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود و اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی، فرماندهی مبارزات کردستان عراق را عهده دار شدند. این انشعاب در بین کردها گهگاه زمینه را برای برخوردهای ستیزه‌جویانه فراهم کرد.

نزاع‌های خونین و سنگین با هزینه‌های بسیار به مردم کرد ساکن عراق آموخت که مبنای قومی نمی‌تواند پایه مناسبی برای تشکیل دولت ملی شود. دولت ایران بنا به ملاحظات مذهبی و پیوستگی فرهنگی با کردهای عراق، طرفین را به وحدت دعوت کرد و در نوامبر ۱۹۸۶م به همت ایران زمینه برای همکاری گسترده‌تر بین دو گروه معارض کرد، در تهران فراهم شد. طالبانی در هنگام ترک کنفرانس تهران اعلان داشت: «نزدیکی با ایران لازم،

زخمی بر خود می‌پیچید و چون مشاهده کرد کردهای ساکن منطقه حلبچه با آغوش باز و احساسات وصف‌ناپذیر و طنین الله اکبر از رزمندگان اسلام استقبال می‌کنند، در ۲۸ اسفند ماه ۱۳۶۶ صحنه‌ای از ددمنشی و درنده‌خویی خود را آشکار ساخت. در این روز بعضی‌ها، حلبچه را به وسیله مواد شیمیایی و سلاح‌های مخرب بمباران کردند و در اقدامی وحشیانه متجاوز از ۵۰۰۰ نفر زن و کودک، پیر و جوان را به شهادت رساندند. تعداد زیادی نیز متحمل صدمات و جراحات ناگواری شدند که برخی بر اثر شدت لطمات به شهیدان پیوستند. بدتر از همه، سکوت مسجام بین‌المللی بود که پس از افشاگری‌های ایران و روشن شدن عمق جنایات، رئیس سازمان ملل، پس از مدت‌ها بمباران شیمیایی حلبچه را محکوم کرد؛ اما این موضوع در لفظ باقی ماند و در عمل اقدامی صورت نگرفت و سکوت مرگباری بر شورای امنیت سازمان ملل حکمفرما بود^(۱).

پس از فوت ملامصطفی بارزانی در

۱. اکراد خاورمیانه و ایران، دست‌نویس و به قلم نگارنده، ص ۲۰-۱۶.

سازنده و حق است و در خدمت به منافع ملت کرد عراق می‌باشد؛ اما این توافق نتوانست زمینه مذاکره توفیق‌آمیز با دولت مرکزی عراق شود.

یورش عراق به کویت و حملات ائتلاف بین‌المللی به عراق برای دست برداشتن از اشغال کویت زمینه را برای اعتراض و تحقّق دولت محلی کردستان عراق فراهم کرد؛ اما این خواسته با تحمّل هزینه‌هایی گزاف به دست آمد. ابتدا حمله نیروهای عراقی موجب آواره شدن دو میلیون کرد شد، از این خیل گسترده، ۱/۵ میلیون به ایران پناه آوردند. یک کرد عراقی گفته بود:

«ما باید از جمهوری اسلامی ایران تشکر کنیم که مرزهایش را بر روی ما گشود و نگذاشت مردم ما در برف و سرما

از بین بروند».

در تاریخ ۱۹ دی ماه ۱۳۷۷ گزارش شد که رهبران دو جبهه کردها در جهت پیشبرد قرارداد صلحی که در شهریور ماه همین سال امضا کرده بودند و نیز بازگشت آوارگان با یکدیگر مذاکره کرده‌اند. نقش جایگزین شدن تفکر و مذاکره و مصالحه به جای جنگجویی و خون‌ریزی از اهمیت بسیاری برخوردار است و با حصول پختگی و شکوفایی و عمق بیشتر فکری و توان مادی به همراه اتحاد و هماهنگی، کردها نیز می‌توانند مشکلات سیاسی-اجتماعی خود را برطرف کنند و به حقوق قانونی خود برسند.